احوال و آثار و اشعار

میر سیّد علی همدانی

[با شش رساله از وی]

دکتر محمّد ریاض

چاپ دوم

مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان

بسم اللّٰه الرّحمٰن الرّحیم ○

به میمنت مقارنت با هفتصدمین سالگرد
ولادتِ عارفِ ربّانی

میر سیّد علی همدانی

۷۱۴ - ۷۸۶ ه‍ ق/۱۳۱۴ - ۱۳۸۵م

مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان

احوال و آثار و اشعار

میر سیّد علی همدانی ؒ

[با شش رساله از وی]

چاپ دوم

دکتر محمّد ریاض

مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان

شناسنامهٔ این کتاب

نام کتاب	: احوال و آثار و اشعار میر سید علی همدانی با شش رساله ازوی
مؤلف و مصحح	: دکتر محمد ریاض
ویرایش	: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان
سخن مدیر	: مدیر مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان
پیشگفتار	: دکتر محمد ریاض
ناشر	: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان ، اسلام آباد تلفن : ۸۲۰۱۰۱
کتابت	: نفیس رقم
شمارهٔ ردیف	: ۱۲۱
تعداد	: ۱۰۰۰
چاپ دوم	: منزا پرنتنگ کارپوریشن ، اسلام آباد تلفن : ۸۱۵۹۳۹
تاریخ انتشار	: ۱۴۱۱ ه‍ ق/۱۳۷۰ ه‍ ش/۱۹۹۱ م
صفحات	: ۴۰+۵۴۵=۵۸۵
بها	: ۱۵۰ روپیه پاکستانی

انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان

شماره ردیف
۱۲۱
چاپ دوم

تاسیس برمبنای موافقتنامه مؤرخ آبان ماه ۱۳۵۰ مصوب دولین ایران و پاکستان

سیّد السادات، سالارِ عجم — دستِ او معمارِ تقدیرِ امم

تا غزالی درسِ الله هو گرفت — ذکر و فکر از دودمانِ او گرفت

سیّد آن کشورِ مینو نظیر — میر و درویش و سلاطین را مشیر

جمله را آن شاهِ دریا آستین — داد علم و صنعت و تهذیب و دین

آفرید آن مردِ ایرانِ صغیر* — با هنرهای غریب و دلپذیر

یک نگاهِ او گشاید صد گره — خیز و تیرش را بدل راهی بده

—————— علّامه اقبال لاهوری

* کشمیر

بسمه تعالی

اگر نه بر سبیل اقتفاء به سنت سنیه اسلاف فاضل این ضعیف بود، نگارش این سطور نیز بر خلف جاهل انان تکلیف نبود؛ چون هم مولف دانشمند کتاب، اقلی دکتر محمد ریاض خان در مقدمه مشبع خود به تفصیلی شایسته از عهده معرفی میر سید علی همدانی برامده اند وهم فاضل گرامی اقلی اکبر ثبوت مدیر وقت مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان نیز با قلمی شیوا و محققانه، کمبود های محتمل راجبران کرده و توصیفی ممتع از احوال سید علی مقدار ارائه داده اند و اما که بی گمان بر امثال من بنده فضیلتی زین بیش تعلق نمی گیرد که در هفتصد مین سالروز تقریبی ولادت میر بلند مقام همدانی، توفیق تجدید چاپ کتاب حاضر را داشته باشیم و در حالی که لله الحمد والمنه اوازه ان بزرگ جهانگیر شداه است و به اقصای بلاد عالم رسیده، و در همین سال جاری نیز دو مجمع معتبر و کنگره مهم به همت مسولان بلند مرتبه پاکستان و ایران در هر دو کشور برگزار می شود، شاهد تجلیلی د گر از مقام شامخ دینی و عرفانی و اخلاقی دانشی مرد همدانی بمانیم

سید به حقیقت در سر زمین اصلی خود بسیار کمتر از ان شناخته شده است که در منطقه شبه قاره و خاصته پاکستان و کشمیر مشهوراست و اگر ما نتوانیم او ایکی از عناصر اصلی مسلمان شدن جم غفیری از مردم کشمیر و جامو بشناسیم، در این نکته جای تردید کمی هست که از شخصیتهای موثر در تفهیم شریعت غرای محمدی (ص) و مرد می کردن اداب و عادات مسلمانی درمیان انان بوده است؛ بد انسان که خود اعراضی تمام از حطام دنیاوی و ظواهر اعتباری داشته و تمایلی اشکاره خدمت به خلق و رفع بلایا و دفع نقم از بندگان حق نشان می داده است - زندگانی او هم امروز نیز برای کثیری از مردم پاکستان و هند سر مشق فضیلت و اسلامیت و انسانیت است و بر همین سیاق متبرک است که هنوز مسلمانانش به زمزم شوید و هندو بسوزآند

باری در روز گار ما که به یمن همت بندگان صالح خدا ، الحمد لله دوران وحدت ملل ستمدیده و بالا ختصاص مسلمانان اغاز شده است وجود شخصیتهای اصیل و راستینی چون میر سید علی همدانی که واسطه العقد مواریث گرانقدر مشترکند، از معدات اشکار حفظ مودات است. ملل متعدی که از قفقازیه و ارال تا انتهای هندو کش و گنگ بسر می برند دارای زمینه های یکسان فرهنگی ، تاریخی ، اجتماعی ، دینی و اخلاقی بیشمارند و سزاوارند که بر سر نقاط توافق کار ساز حیاتی نیز هم امروز تامل و تدبیر بیشتری نشان دهند و ملا و تحقیقا به شناسائی هویت اصیل و واقعی خویش نزد یکتر شوند

امید فراوان است که تجدید چاپ کتاب حاضر ، که به ملا حظه قلت فرصت ، در کمال استعجال انجام پذیر فته و معا لاسف برخی از مشکلات و تنگناهای اساسی چاپ پیشین را که لا محاله مشهود محققان بزرگوار است ، همچنان در خود نگاه داشته، بتواند فی الحال پاسخی بر نیاز مبرم جامعه دانشی منطقه تلقی شود. همچنین رجاء واثق دارد که ان شاء الله در اتیه ای نزدیک ، مجال موسع دیگر ی فراهم گردد تا تهذیبی نواز کتاب حاضر به عمل اید و هم به موقع اثار ذیقیمت چاپ نشده ان بزرگوار زینت نشر و تکثیر به خود پذیرد. بمنه و کرمه.

رضا شعبانی

مدیر مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان

بسم الله الرحمن الرحيم

دیباچهٔ چاپ دوم

در حدود ربع‌قرن پیش‌که کار تحقیق در مورد بررسی احوال و آثار و خدمات همگانی حضرت شاه همدان را آغاز کردم ، تنها معدودی از خواص عرصهٔ علم با شخصیت میر سید علی آشنایی داشتند ولی اینک بیش‌وکم سایر مردم تحصیل کرده نیز شخصیت و کارنامهٔ وی را می شناسند. در پاکستان از چند سال گذشته به این طرف همه ساله مراسم با شکوهی بمناسبت روز های ولادت و وفات او برگزار می‌گرد د و در اواخر سال ۱۳۶۶هش/۱۹۸۷م هم کنفرانس بین المللی شاه همدان در شهر مظفرآباد انعقاد پذیرفته بود ، اینک جای‌بسی‌خوش وقتی است‌که درمرداد ماه ۱۳۷۰ هش/اوت ۱۹۹۱ میلادی سمیناری منطقه ای در مولد سید علی‌همدانی در همدان ، برگزار می شود و نگارنده مفتخر است‌که نوشته های وی را بزبان های فارسی وترجمه های آنها را به‌اردو و انگلیسی خوانده‌ودر شناساندن مقام این شخصیت بزرگ قرن هشتم هجری سهمی‌کوچک داشته است.

کتاب حاضر فی‌الحقیقه فشردهٔ مطالب متنی است که در پاییز سال ۱۳۴۶هش/نوامبر ۱۹۶۷ میلادی در دانشگاه تهران به‌عنوان رسالهٔ دکتری مورد تصویب قرارگرفته بود. این‌کتاب در ۱۳۶۴هش/۱۹۸۰م از طرف مرکز تحقیقات فارسی‌ایران و پاکستان چاپ شد ونظر به علاقه مندی فضلای ایران و پاکستان و هند وکشورهای همجوار دیگر و همین طور بعلت‌شهرت جهانی شاه همدان ، نسخ چاپی آن در ظرف چند ماه نایاب گشت چون صرف نظر از نقائص متن ، مزایای چشمگیری در برداشت که می توان برخی از آنها را چنین شمرد :

۱- زندگی نامهٔ شاه همدان بعنوان مصنف وشاعر و مبلغ اسلام ومصلح اجتماعی ارائه شده است

۲- در حدود صد اثر سید به زبانهای عربی و فارسی معرفی شده و عنداللزوم نمونه‌هایی ازنکات برجستهٔ هر کدام مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

۳- مجموعهٔ اشعار سید ومتن چند رسالهٔ عربی و فارسی او درضمایم کتاب آمده است.

٤- همراه با متن چند رسالهٔ "فتوتیه" ، میر سید علی همدانی و مطالبی نیز دربارهٔ نهضت فتوت ارائه شده است که بجرأت می توان گفت تا این اندازه مباحث جامع کمتر در یک کتاب تحقیقی عربی یا فارسی که دربارهٔ سید نوشته‌اند پیدا می‌شود. محققان‌گرامی تاکنون ازسر لطف به‌کرات دراین باب مساعی نگارنده را ستوده و تشویق فرموده‌اند .

بنده بی نهایت ممنونم که رایزن محترم فرهنگی‌سفارت جمهوری اسلامی‌ایران آقای دکترسیدکمال‌حاج سید جوادی ومدیرگرامی‌و دانشمند مرکزتحقیقات فارسی ایران و پاکستان در اسلام آباد ، آقای دکتر رضا شعبانی برای تجدید چاپ این اثر اقدامات سریعی انجام داده‌اند. امیدوارم‌که تشویقات و راهنمایی‌های ایشان علی الدوام چراغ راه مؤلفان و نویسندگان این سامان بماند.

اسلام آباد
بهار ۱۳۷۰ خورشیدی
آوریل ۱۹۹۱ م

دکتر محمد ریاض
استاد رشتهٔ اقبال شناسی
دانشگاه آزاد علامه اقبال
اسلام آباد

بسم الله الرحمن الرحيم

سخن مدیر

اسلام درمیان عرب ها ظهور کرد اما در ابلاغ پیام و تعلیم معارف آن، گسترده ترین و عمقی ترین فعالیت ها را ایرانیان عهده دار شدند. در جنوب آسیا (مرکزوشمال و غرب و جنوب شبه قاره، اندونزی و . . .) در ترکستان و دیگر مناطق مسلمان نشین چین و شوروی، در آسیای صغیر و نواحی مجاور آن در اروپا، در افریقای شرقی و شمالی (مغرب اقصی و . . .) در جزائر اقیانوس هند و در سواحل مدیترانه و کرانه های اقیانوس اطلس (بخش هائی از اندلس و . . .) و حتی در بلاد عرب هر جا خبری از تبلیغات اسلامی و اثری از معارف این آئین پاک بود، (مبلغان و دانشوران ایران مؤثر ترین حضور را داشتند) و بالنتیجه در کثیری از این سر زمین ها تمدن و فرهنگ اسلامی جامهٔ ایرانی دربر کرد و مثلاً با آن که در خود ایران کتاب های مهم علمی و دینی غالباً به عربی نگارش می یافت، در بسیاری از نقاط نامبرده، فارسی را زبان دین و علم و معرفت شناختند و میراث فرهنگی عظیمی که بر جا نهادند کالبد فارسی آن ـ در کنار روح اسلامی ـ کاملاً محسوس و مشهود است و لغات و اصطلاحات دینی و غیر دینی زیادی هم که از فارسی به زبان های بومی آنان راه یافته ـ و پاره ای هنوز هست ـ تأییدی دیگر است بر نقش سترگ ایرانیان در این مورد.

* ❁ *

میر سید علی همدانی از عارفان نامی ایران است که نشر و ترویج اسلام در مرز و بوم پهناور شبه قاره ــ تا حدود زیادی ــ مرهون اقدامات و کوشش های او و یاران و بستگان او است. این مرد بزرگ در ایران، در خانواده ای وابسته به هیئت حاکمه، چشم به جهان گشود اما حکومت ظاهری را بی ارزش و ناچیز یافت و آن را رها کرد[1] و روی به علم و معنویت و خدمت خلق آورد. دانش های رسمی (ادبیات پارسی و تازی، حکمت عملی ــ اخلاق و سیاست مدن ــ عرفان، کلام، فقه، حدیث، تفسیر و حکمت وغیره) را فرا گرفت. قرآن کریم را حفظ کرد و در کنار آموزش، تزکیهٔ نفس و تصفیهٔ باطن را از یاد نبرد و بدین منظور به موازات اهتمام به عبادت و ذکر، به کارهائی پرداخت که هم بت درون را بشکند و هم کمکی به بندگان خدا. مربی او گفت: «اگر از برای خدمت آمدی، کفش این غلام سیاه که او است کناس خانقاه، پیش او باید نهاد». و سید پس از آنکه چندی در پیش پای غلام و دیگران کفش جفت کرد «از شیخ خواست که کار کناسی به او دهند» و این تقاضا بعد از ماه ها پذیرفته گردید. پس از مدتی که به کناسی اشتغال داشت شیخ او را به سقائی گماشت. چند گاهی هم به فرمان شیخ به بیل زدن در باغ می پرداخت یا سنگ ها را از جائی به جائی حمل می کرد و چه ریاضت ها و مجاهدت ها (گرسنگی کشیدن، سکوت مطلق اختیار کردن بجز هنگام ذکر...) که این برنامه ها را ادامه داد تا در علم و عمل و تقوی به مقامی بلند رسید و آن گاه جهانگردی آغاز کرد و بیست و یک سال تمام در گوشه و کنار دنیا به سیر و سیاحت پرداخته، دوازده حج به جای آورد و مناطق مختلف ایران، شبه قاره، ماوراء النهر و پاره ای دیگر از متصرفات کنونی

۱ـ خود می گوید: «در امور والد التفات نمی کردم بدان سبب که او حاکم بود در همدان و ملتفت به سلاطین و امراء».

شوروی ، سیلان ، تبت ، ممالک عربی ، افغانستان وغیره را دید و در این سفر ها محنت و مصیبت بسیار کشید : شکستن کشتی، عقب ماندن از کاروان ، عبور از راه های دشوار و ناهموار درکوه ها و بیابان های بی آب وگیاه، نبود وسائل مناسب برای مسافرت ، گرسنگی های طولانی و... این همه خانه بدوشی و تحمل رنج های آن نیز یک هدف داشت : تبلیغ و ترویج اسلام و انجام وظیفهٔ الهی و انسانی. و این هدفی بود که سید در شبه قاره بیش از همه جا تعقیب می کرد و چگونه؟ با تدریس معارف اسلامی و تربیت شاگردان فراوان ، با تشکیل مجالس وعظ و خطابه و برپا کردن حوزه هائی برای تهذیب نفوس مریدان ، با آموزش دادن مبلغان و واعظان و ایجاد سازمان وسیع و منظمی برای تبلیغ ، با اهتمام به وظیفهٔ امر به معروف و نهی از منکر و ایستادن در مقابل مفاسدی که هر جا مشاهده می کرد ، با راهنمائی حکام و دعوت آنان به عدل و انصاف و رعایت قوانین دینی ، با ساختن مسجد ها و مدرسه ها و خانقاه ها و تأسیس کتابخانه ها که جملگی به تشویق یا زیر نظر شخص او انجام گرفت ، با غلبه بر پیشوایان ادیان غیر اسلامی در مقام مباحثه ، با ارائهٔ نمونهٔ مجسم و کاملی از اخلاق اسلامی واقعی و ابعاد گوناگون آن (شجاعت و صراحت لهجه ، استقامت و پایمردی ، نان خوردن از دسترنج خویشتن ، ایثار و مقدم داشتن دیگران بر خود و وقف کردن مایملک خویش برای بهره رساندن به جامعه و ...) با تألیف و تصنیف و انتشار ده ها کتاب و رساله در موضوعات مختلف (تفسیر ، حدیث ، اخلاق و سیاست ، عرفان نظری ، سیر و سلوک ، دعا ، مباحث حکمی و کلامی و فقهی و ادبی ، تعبیر رؤیا ، مقامات اولیا وغیره). با همین قبیل برنامه‌ها بود که سید از یک سوی صد ها هزار از هندوان را خلعت اسلام پوشاند[1] و هزاران مسلمان ظاهری را به حقیقت

۱- بسیاری از اینان چنان شیفتهٔ اسلام شدند که حتی معابد دوران نا مسلمانی شان را با دست خود تبدیل به مسجد می کردند.

اسلام نزدیک ساخت و از سوی دیگر ابعاد گوناگون شخصیت خویش را آشکار گردانید که این هم توضیح :

(الف) آثار منظوم و منثور سید که هم بسیار است (بیش از ۱۰۰ کتاب و رساله و مجموعهٔ شعری) و هم به لحاظ «سبک و انشاء» و «محتوی و مضمون» در خور توجه می باشد ، از وی یک چهرهٔ درخشان فرهنگی ساخته است. این آثار در رشته های مختلفی که اشارت رفت نگارش یافته و از ذخائر گرانبهای ادب و معرفت به شمار می رود و خود قدرت اندیشه و قلم مردی را آشکار می سازد که گرچه نزدیک به ثلث عمر وی در مسافرت و جهانگردی گذشته و گرفتاری های ناشی از مقابله با حکومت ها و اشتغالات متعدد تبلیغی و ارشادی و تدریسی و عبادی و معاشی و اجتماعی و . . . نیز بخش عظیمی از وقت و نیروی او را اشغال کرده ، چنین میراث فرهنگی ارزنده ای بر جای نهاده است و با آنکه شاعر و نویسنده و مؤلف حرفه ای نبوده و قصد و فرصت هنر نمائی از راه شعر و نویسندگی و تألیف نداشته ، پاره ای از آثار وی در نوع خود از بهترین ها است. مثلاً :

ــ «ذخیرة الملوک» او از لحاظ مضمون ولهجهٔ ناصحانه و بی باکانه درمیان کتابهای مهم قدما در اخلاق و سیاست مدن بی‌نظیر و یا هیچکدام قابل مقایسه نیست.

ــ نامه های وی با این که فقط به قصد ارشاد و راهنمائی خلق نگارش یافته، نمونه های خوبی از نثر فارسی را ارائه می دهد. گذشته از محتویات ذیقیمت.

ــ شرح وی بر تعدادی از اشعار حافظ و نیز فرهنگی که برای مصطلحات دیوان او پرداخته[1] ــ و هر دو نیز با دید عارفانه ــ در نوع خود نخستین کاری است که انجام شده و هر چند محصول کار وی در این مورد یک

۱- همان گونه که قدیم ترین اطلاعات دربارهٔ حافظ را ظاهراً از زبان یکی از شاگردان و مریدان سید که در پاورقی شماره ۲ ، ص ۹ ذکرش بیاید می شنویم.

رسالهٔ مختصر بیش نیست[۱] ولی اهمیت شایانی دارد زیرا ــ علاوه بر فضل تقدم ــ شارح خود با خواجهٔ شیراز معاصر بوده و او را ملاقات کرده و خواه ناخواه برداشت و شناخت او از لسان الغیب به واقعیت نزدیک تراست تا دیگران که قرن ها بعد می زیسته اند. ویژه آنکه برداشت وی با گزارش یکی دیگر از معاصران حافظ که نیز وی را دیدار کرده ــ تایید شود[۲] اثر سید همچنین اهمیت خواجه را در روزگار حیاتش آشکار می سازد که شخصیتی به عظمت سید همدانی که ظاهراً از خواجه سالخورده تر هم بوده با آن همه مشاغل و گرفتاری هائی که خود داشته ، در روزگار حیات خواجه و حتی پیش از جمع دیوان وی این رساله را برای کمک به درک اشعارش پدید آورده است.

ــ اثر وی در توضیح مسلک «فتوت : جوانمردی» در نوع خود بهترین و دست کم یکی از بهترین ها است زیرا اولاً در سلسلهٔ فتوت که به شهید کمیل بن زیاد و از او به امام علی بن ابی طالب علیه السلام می رسد ، سید خود مقامی والا داشته و از مشایخی به شمار می آمده که بر دیگران خرقه می پوشانیده اند ثانیاً لوازم و شرایط فتوت ــ از نظر عملی ــ به بهترین نحوی در وی جمع بوده و هم مفید ترین اطلاعات را در این زمینه داشته و هم انشائی روان و شیرین.

(ب) سید همدانی از شخصیت هائی است که در انتقال فرهنگ و تمدن ایران به شبه قاره نقش خیلی مؤثری داشته و این هدف را از راه های گوناگون دنبال کرده است از جمله :

۱- ترویج هنر ها و صنایع ایران (قالیبافی ، ابریشم بافی ، سنگتراشی ، معماری و . . .) خصوصاً در کشمیر.[۳]

۱- بنگرید به ص ۱۷۶ تا ۱۷۹ و ۴۳۱ تا ۴۴۰ کتاب حاضر.

۲- مقصود سید محمد اشرف جهانگیر سمنانی - مرید سید علی همدانی - است که از خواجه حافظ به عنوان یک عارف کامل یاد کرده است.

۳- از یاد نبریم که کشمیر آن روز ، دو سه برابر جامون و کشمیر کنونی (اعم از آزاد کشمیر و بخش زیر نفوذ هند) بوده است.

۲- گسترش زبان فارسی و شعر و ادبیات آن — به ویژه در خطهٔ پهناور مزبور — و در این مورد شایان توجه است که چون خطابه ها و مواعظ همدانی و کلیهٔ اشعار و غالب آثار وی به فارسی بوده و همهٔ آنها نیز با استقبال و عنایت تام مردم منطقه مواجه شده و حتی پاره ای از کتاب های وی جزء متون درسی جای گرفته ، مجموع عوامل یاد شده ، کمک زیادی به پیشرفت فارسی و فرهنگ آن در این مرز و بوم کرده است.

کوتاه سخن ، تمام فعالیت های پردامنهٔ اجتماعی و دینی و فرهنگی مثمر و سازندهٔ همدانی در این نقطه از جهان که با کمک نزدیک به هفتصد سید و درویش و صنعتگر و هنرمند ایرانی انجام گرفت ، «محتوی و روح اسلامی» داشت و «ظرف و کالبد فارسی ایرانی». و توفیق همدانی در ایجاد ارتباط میان این «روح و کالبد» در کشمیر به اندازه ای چشمگیر بود که خود وی «حواری کشمیر» نامیده شد و این سر زمین به «ایران صغیر» ملقب گردید[۱] و با آنکه مردم این ناحیه دیرتر از غالب مناطق شبه قاره با زبان فارسی آشنا شدند و از مهد این زبان — ایران — نیز دورتر بودند نویسندگان و شاعران پارسی زبان که از میان ایشان برخاسته بیشتر است.[۲]

امروز نیز حضور معنوی و روحانی سید و آثار او در شبه قاره که — علیرغم تمامی موانع — همچنان محسوس است ، به حقیقت حضور فرهنگ و تمدن ایران است و اشعار فارسی متعددی که در قسمت های مختلف مسجد و خانقاه وی در کشمیر (بر روی دیوار و بالای محراب و . . .) توجه زیارت کنندگان را جلب می نماید ، و آثار و اشعار فارسی وی که در گوشه و کنار این آب و

۱- علامه اقبال لاهوری در ستایش سید می گوید :

جمله را آن شاه دریا آستین　　داد علم و صنعت و تهذیب و دین
آفرید آن مرد ایران صغیر　　با هنر های غریب و دلپذیر

۲- بنگرید به کتاب «تذکرهٔ شعرای کشمیر» گرد آوردهٔ سید حسام الدین راشدی که در ٤ مجلد قطور (مشتمل بر بیش از ۲۰۰۰ صفحه) چاپ شده است.

خاک مشتاقان فراوان دارد دلیلی است بر این مدعا.

(ج) بر خلاف کسانی که دعوی عارف بودن و وابستگی به اهل سلوک را دستاویز بی اعتنائی به وظایف فردی ، خانوادگی ، اجتماعی و عبادی خویش و بهانهٔ لا ابالی گری و کل شدن بر جامعه می گیرند، سیره و عملکرد سید همدانی به عنوان یک پیشوای شریعت و طریقت در خور دقت است که:

۱- در کار های مفید اقتصادی شرکت فعال دارد. و با تمام ارادتی که حکام وقت و مردم عادی به وی می ورزند — و با همهٔ نفوذ او بر آنان — خود کار می کند و با پیشه ای که اختیار کرده (بافتن کلاه های ظریف) معاش خویش را تامین می نماید و از این که زندگی او به هزینهٔ دیگران اداره شود ابا دارد. چندانکه در هیچ جا نمی بینیم هدیه ای یا فتوحی از کسی بگیرد ، و کلیهٔ فتوحی هائی را که می رسد (بعلاوهٔ بیشتر آنچه را خود با کد یمین و عرق جبین به دست می آورد) در راه خدا و برای کمک به خلق می دهد. و خود داری از صرف فتوحی ها به نفع خویش را نیز به دستور صریح پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) مستند می نماید و به مریدانش توصیه می کند که کسبی و هنری فرا گیرند و بدان وسیله اکل حلال کنند و این سفارش ها وقتی با عملکرد وی توام می گردد تأثیر بسزائی بر مریدان او می گذارد چنانکه هر کس کاری در پیش می گیرد و از تنبلی و بیکاری دوری می جوید.

نکتهٔ دیگر در این مورد آنکه هر چند سید در مرحلهٔ «مصرف» معتقد به قناعت است و خود را نیز پیش از هر کسی به این صفت می آراید ، اما در مرحلهٔ «تولید» تلاش و تکاپو را تأیید می کند و خود به ترویج صنایع ایران در شبه قاره[1] و نیز احیاء صنایع محلی منطقه (از قبیل شالبافی کشمیر) قیام می نماید و ایجاد مؤسسات عام المنفعه[2] و اجرای طرح های عمرانی و رفاهی

۱- بر گردید به صفحهٔ ۱٤.
۲- بر گردید به صفحهٔ ۱۳.

متعدد (ساختن راه ها ، حفر چاه ها و . . .) به تشویق یا زیر نظر او تحقق می یابد.

۲- قبول مسئولیت زن و فرزند به وسیلهٔ سید نیز نشان می دهد که تصوف در نظر او به معنی ترک دنیا و رهبانیت نیست. چنانکه نوشته های وی ــ خصوصاً در قسم دوم و سوم از باب چهارم ذخیرة الملوک ــ تاکیدی دیگر است بر این امر و در خلال آن می توان تکالیف انسان در خانوادهٔ خویش را بر مبنای فرهنگ اسلامی ایرانی سید دریافت.

۳- اهتمام در انجام فرایض و عبادات واجب و مستحب نیز در زندگی سید کاملاً مشهود است و نوشته های او هم اعتقاد سر سخت وی در این مورد را مسجل می دارد.

٤- نظارت بر حسن ادارهٔ جامعه و کوشش برای اصلاح امور و اجرای احکام الهی در صحنهٔ اجتماع نیز مسئولیتی است که سید عنایت جدی به آن داشته و در این مورد هم تنها به نصایح نرم و ملایم اکتفا نمی کرده و بلکه در بسیاری جا ها ــ خصوصاً در برابر قدرتمندان ــ لحنی تند و تیز و آمرانه را بر میگزیده است. در نامه ای خطاب به یک شاه می نویسد که در روز قیامت وکار پادشاه و حاکم از همه سخت تر است زیرا که هر کسی را از احوال وی پرسند و حاکم را از احوال جهانیان خواهند پرسید اگر در آنروز توقع عفو و غفران داری از آنحضرت ، امروز با بندگان او بعدل و احسان معامله کن و این وقتی میسر شود که پیران رعایا را چون فرزند باشی و جوانان را چون برادر و طفلان را چون پدر و مظلومان را ناصر و ظالمانرا قامع و فاجران را فاضح و تایبان را ناصح و مطیعان را معین و در قول صادق و در عهد واثق و در نعمت شاکر و در محنت صابر و در عمل مخلص و در رفعت متواضع و در جمال پارسا.

ای عزیز ! پادشاه امین و وکیل و خزانه دار حقست بر تو باد که در

خزانهٔ حق بهوای نفس و تسویل شیطان تصرف نکنی و آنچه بگیری بحق گیری و حق به مستحق رسانی تا در عذاب و فضیحت هول فزع اکبر نمانی . . . ای عزیز اگر در ولایت تو یک گرسنه یا برهنه یا ظلم رسیده باشد و ترا از حال وی خبر نبود و تفقد حال وی نکنی ترا از مرتبهٔ اهل تقوی نصیب نیست».

(د) سید گذشته از مقام علمی و عرفانی، یک مجاهد است و روح پرخاشجوئی علیه صاحبان زور و تزویر را به بهترین شکلی می توان در زندگی و آثار او احساس کرد. در ص . ٤ از کتاب حاضر می خوانیم : به دستور تیمور (همان جهانگشای زور مند و خونخوار) علی همدانی را برای ملاقات با او حاضر کردند. چون تیمور شنیده بود که سید هیچ موقع پشت به قبله نمی نشیند عمداً او را پشت به قبله نشاند و گفت شنیده ام پشت به قبله نمی نشینی چه شد که امروز خلاف کردی و این گونه نشستی ؟ سید پاسخ داد هر که رو به شما نشیند بی شک پشت به قبله خواهد بود. تیمورگفت شنیده ام برای به دست آوردن قدرت و حکومت کوشا می باشی! سید پاسخ داد : همهٔ مال دنیا بر من عرضه کرده شد ولی از پذیرفتن آن خود داری کرده ام و مقصودم فقط رضای خداوندی است ، در مورد حکومت و سلطنت هم شبی در خواب دیدم که سگ لنگی آمد و آن را در ربود[1] ، الدنیا جیفة و طالبها کلاب. تیمور به او تکلیف کرد که در آن ناحیه اقامت نماید و نپذیرفت.

در مواردی نیز می بینیم که سید خروج تیمور را به عنوان «فتنه» ای اعلام می کند که بر اثر آن ، آسایش و راحتی رخت بر بندد ، مردم آواره شوند ، اولیاء خدا به قتل رسند و . . .

در ص ۳۷ هم می خوانیم : سید به مریدان همواره توصیه می کرد که باید این حدیث رسول (ص) را حرز جان کنند و عملی سازند : افضل الجهاد

۱- به تیمور گوشه می زند که لنگ بود.

کلمة حق عند امام جائر.

در نامه ای به یکی دیگر از سلاطین وقت نیز او را به خاطر سستی اش در جلوگیری از منکرات و مفاسد سرزنش می کند و سپس می نویسد (بنگرید به ص ۱۲۳) : «اگر خاطر عزیز آن می خواهد که اهل این دیار به این ضعیف آن کنند که یزید کرد با حسین ، سهل است که ما این جفا ها را سعادت خود می دانیم. این ضعیف را به حضرت صمدیت عهدی است که اگر جمله زمین آتش گیرد و از آسمان شمشیر بارد آنچه حق باشد نپوشد و به جهت مصلحت فانی، دین به دنیا نفروشد». و سپس می گوید : بی حرمتی به اهل ایمان که در این عصر مشهود است شگفت آور نیست زیرا پیامبر (ص) خبر داده است که «سیأتی علی الناس زمان یکون جیفة حمار احب الیهم من مؤمن یأمرهم بالمعروف وینهاهم عن المنکر . . .».

با این تفاصیل ، طبیعی بود که زورمندان و کسانی که دین را دکان کرده اند در صدد ضربه زدن به سید بر آیند تا جائی که تیمور وی و یارانش را تهدید به قتل کرد و بدو گفت : «از قلمرو ما بیرون رو و ـ به موجب ـ جناب سیادت پناه در آن ولایت خوردن و آشامیدن را بر نفس مبارک حرام کردند فی الحال در مسجد نشستند و فرمودند که این ملک خداست و سامان درست کردند و به طی مکان به کوه پیرپنجال رسیدند» و باز در سرگذشت وی می خوانیم: «پادشاهی در مقابل حق گوئی سید او را تهدید می کرد و اسب های فلزی (مسین و فولادی) را داغ می کرد و می گفت اگر از سخن حق باز نایستی و نسبت به شکوه دربار من خاضع نگردی ترا بر یکی از این اسب های آتشین می نشانم و سید به این تهدید ها اعتنا نمی کرد» و می خوانیم : «وقتی در مجلسی وعظ می گفت و بعضی از به اصطلاح علما در آنجا حضور داشتند در این مجلس ، وی حقایق تلخی را بیان نمود که انتقاد گونه ای بود بر آن

علما[1] ایشان فکر کردند که این قبیل سخنان عقیدت و ارادت مردم به آنان را متزلزل می کند، پس به فکرافتادند سید را از بین ببرند. این بود، ازوی دعوتی کردند و به او زهر خورانیدند که البته منجر به مرگ وی نشد ولی اثر آن زهر همه عمر باقی ماند و سالی یکبار ورم می کرد و زرداب جاری می شد و سپس می خشکید. و از گفتهٔ خود سید نقل می کنند که «. . . بسی ابتلا به ما رسیده در سفر و حضر که بسی از آن ابتلا به سبب فقها رسید و علما و بعضی به سبب ملوک و امرا . . .».

ـ سید بنیانگذار طریقت و مکتبی است که پیروان و پیشروان آن ـ چه در روزگار سید و چه پس از آن ـ نمونه های عالی دفاع از حق و نبرد با بیداد و ستم بوده اند و در این راه از فدا کردن مال و جان خویش هیچ دریغ نورزیده اند. برای نمونه نگاهی بیافکنیم به سرگذشت خواجه اسحق ختلانی داماد و خلیفهٔ سید: وی مردی بزرگ بوده به حسب ظاهر و باطن. پدر او امیر آرامشاه را دخل تمام در سلطنت تیمور بود ولی خواجه روی به عالم معنی آورد[2] و در خدمت سید به ریاضت و مجاهده پرداخت تا جائی که «مدتی به فرمان مرشد خویش آب طهارت درویشان مهیا می ساخت پس به مطبخ اندر شده هیزم مطبخ تعهد می نمود[3]» و چون مفسدان به تیمور گزارش دادند که خواجه اسحق مرید سید گشته، تیمور ـ به ملاحظهٔ مقام پدر خواجه ـ اندیشه نمود که ارادت وی باعث اخلال در سلطنت خواهد شد. پس دستور داد خواجه را به نزد وی حاضر کردند. خواجه در آن هنگام عمامهٔ سیاهی را که

۱- نوشته های سید نیز از این گونه انتقاد ها پر است در رسالهٔ «فی علماء الدین» می نویسد علمای واقعی آن کسانند که از علم و تقوی و تزکیهٔ نفس بهره مندند نه کسانی که مدعی اند فقط اطلاعاتی چند دارند و دل هاشان را بی اصلاح رها کرده اند.

۲- سرگذشت سید را به یاد می آورد که پدرش از اعضای هیئت حاکمه بود و . . .

۳- بنگرید به کتاب سلسلة الذهب الصوفیه ملقب به مشجر الاولیاء، ج ۲، ص ۱۰۲.

مرشدش سید همدانی به وی بخشیده بود بر سرداشت. چون نگاه تیمور بدو افتاد گفت : تو مرید کسی شده ای که باعث فتنه شده است. پس دستور داد عمامهٔ سیاه را از سر وی بردارند ولی خواجه گفت : اگر سرم را جدا کنند راضی ام ولی حاضر نیستم دستاری را که از علی همدانی دارم از خود جدا کنم. تیمور به کیفر پافشاری او در این مورد دستور داد جریمهٔ مالی بسیار سنگینی از او گرفتند و بدین ترتیب خواجه آبروی دستار مرشدش را حفظ نمود و ــ علیرغم دشمنان زورگو ــ قبول نکرد که نشانهٔ آشکار ارادت خود به سید را از خویش دور نماید.

همین خواجه اسحاق ختلانی است که دهها سال بعد سید محمد نور بخش را به قیام علیه فرزند تیمور ــ شاهرخ ــ تحریک کرد که در نتیجه ، خواجه و برادرش دستگیر و به شهادت رسیدند و سید نور بخش نیز سال های متوالی یا در تبعید و آوارگی به سر برد یا در سیاه چال های زندان.[1]

* * *

با این توضیحات ، شگفت نیست که ببینیم سید همدانی چنان حرمت و تقدسی در نظر ملیون ها مسلمان ــ از ملیت ها و مذاهب مختلف ــ یافته که خیلی کمتر کسی از بزرگان اسلام را دست داده است و این هم نشانه های آن :

۱- در کتاب حاضر (ص ۸٤) آمده است که سید نور بخش خود را مهدی می شمرده و محرک او در این دعوی ، خواجه اسحاق بوده است. ولی قرائن و شواهد متعدد حکایت می کند که سید نور بخش ، خود را مهدی ٬موعود و منتظر به معنائی که مسلمانان (خصوصاً شیعه) از این تعبیر می فهمند ، نمی دانسته ، و در مورد او ، مهدویت نوعی مطرح بوده نه شخصی (نسبت مهدویت نوعی و شخصی به یکدیگر نظیر نسبت امامت نوعی و شخصی است) چنانکه خود وی در کتاب سلسلة الذهب الصوفیه خصوصیاتی را برای مهدی موعود مسلمانان لازم شمرده و نام ها و نشانی ها و صفاتی برای او یاد کرده ــ با استناد به احادیث و اخبار ــ که بر خود وی قابل انطباق نیست.

۱- با این که در برخورد با ارباب قدرت اهل هیچ گونه مجامله و سازش نبود – که دیدیم – معذلک اهمیت و نفوذ او موجب شد حتی بسیاری از حکام و امیران وقت حلقهٔ ارادتش را در گوش کرده نهایت احترام را در حق وی معمول دارند. یکی از سلاطین کشمیر حتی پیش از ورود سید به این خطه، به وساطت نمایندهٔ وی با او بیعت کرد و برادرش نیز که بعد ها به سلطنت رسید به دستور سید جامهٔ خانوادگی خود را به لباس رایج درمیان مسلمانان بدل کرد و خود با مادرش هر روز به مجلس وعظ سید حاضر می شد. جنگ خونینی هم که میان فرمانروای کشمیر با فرمانروای پنجاب و دهلی جریان داشت با اعمال نفوذ سید متوقف و روابط بسیار حسنه ای درمیانه برقرار گردید.

۲- بر سر این که کجا او را به خاک سپارند درمیان اهالی مناطق کشمیر، پاخلی (در افغانستان ؟) و ختلان (واقع در تاجیکستان شوروی) کشمکش در گرفت چرا که هر یک می خواستند مدفن او در دیار خود شان باشد.

۳- تقدسی که آرامگاه وی پیدا کرد تا جائی که حکام وقت – برای خود نمائی – در تعمیر و تزیین آن با یکدیگر مسابقه گذاشتند و یکی شان از راهی بس دور دو تخته سنگ بسیار بزرگ از مرمر که مختصر احوال و مناقب سید بر آن حک شده بود بر پشت دو پیل فرستاد تا بر مزار وی نصب کنند و حتی تیموریان که سر دودمانشان سید را تهدید به قتل کرده و از وطن خود آواره ساخته و فرزندش داماد و خلیفهٔ سید را – همراه برادر او – به شهادت رسانده و شاگرد او را به حبس افکنده و سپس تبعید کرده بود . . . آری شاهان همین سلسله، پس از مرگ سید به خاطر محبوبیتی که داشت، مزار وی را بنا کردند و شهرت هم دادند که آن را شخص تیمور بنا کرده است ! و در همین رابطه، یکی از نوادگان تیمور را نیز در نزدیکی مزار سید به خاک سپردند.

۴- منزلی که سید در کشمیر در آن نماز می گزارد و معمولاً وعظ می گفت و مهم ترین فعالیت های تبلیغی و تدریسی وی در آن انجام می گرفت ، بعد ها بنای با شکوه یاد بودی در آن ساخته شد که خانقاه معلی یا مسجد شاه همدان نام دارد. این بنا از اوائل قرن نهم هجری تا کنون ، هم یکی از مهم ترین مراکز فعالیت های مسلمانان شبه قاره بوده و هم از اماکن مقدسه به شمار است و در روز عاشورا وقتی دسته های عزاداران حسینی از کنار آن عبور می کنند پرچم های خود را به نشانهٔ احترام فرو می آورند. و نامسلمانان هند نیز آن را حرمت می نهند — زیرا خدمات متنوع سید در نظر آنان هم در خور احترام است — در جوار مسجد نیز علم علی همدانی که از شیخ خویش گرفته و چندین بار با خود به حرمین شریفین برده بود تا مدتی در اهتزاز بود و برای زیارت آن ، مردم از نقاط دور و نزدیک می آمده اند چنانکه سلطان قطب الدین هم به آنجا آمده و علم و صفهٔ مبارک را احترام گزارده است.

۵- بسیاری از مساجد و خانقاه ها و . . . که خصوصاً در مناطق کشمیر و جامون و گلگیت و بلتستان به نام او نامگذاری شد.

۶- آنچه بزرگان و صاحب نظران به نظم و نثر در ستایش او گفته اند و نمونهٔ آن که چند بیت شعر از علامه اقبال لاهوری شاعر و متفکر بزرگ اسلامی است در آغاز این کتاب ثبت افتاد.

۷- صدها هزار افرادی که خویشتن را پیرو طریقت و سلسلهٔ او می شمردند و هنوز هم بقایای ایشان هستند.در پاکستان به اسم نور بخشی ها و در ایران باعنوان ذهبی ها و اویسی ها.

۸- پیروان مذهب های مختلف (شیعه ، حنفی ، شافعی ، حنبلی) هر کدام او را از خود می دانند و شاید هم یکی از علل این امر آن باشد که وی

با این که از نوادگان علی علیه السلام بوده[1] و ارادت و دلبستگی شدید او به آنحضرت و سایر اهلبیت و ائمهٔ شیعه از آثار متعددی که در ذکر مناقب آن بزرگواران نگاشته (مانند السبعین فی فضایل امیر المؤمنین،[2] مودة القربی،[3] الاربعین فی فضایل امیر المؤمنین) آشکار است و از لابه لای دیگر آثارش هم می توان برتری آنان بردیگران را در نظر وی دریافت، ولی در نوشته های خود نسبت به پیروان سایر مذاهب اسلامی و پیشوایان آنان احترام لازم را مراعات می نماید.

۹- کرامات بسیاری که به او نسبت داده اند و به پاره ای از آنها در این کتاب اشاره شده است (بنگرید به ص ۱۵، ۳۹، ۵۸، ۶۶، ۷۲ تا ۷۴، و ۲۱۶ تا ۲۱۸) و در همین رابطه است که استمداد از روحانیت وی مطرح می شود. امری که خصوصا ما بین قایق رانان رودهای کشمیر متداول است و هرگاه از پارو زدن خسته می شوند از روح بزرگ سید یاری می طلبند و فریاد «یا شاه همدان» بر می دارند.

۱۰- مراسم و اجتماعاتی که هر ساله در ششم ذیحجه ــ سال روز وفات سید به یاد بود او و برای تجلیل از وی در کشمیر و پاره ای دیگر از نقاط شبه قاره برپا می نمایند (عرس) و در ضمن آن دربارهٔ شخصیت و تعلیمات سید سخن می دارند.

۱- از طریق امام سجاد علی بن الحسین علیهما السلام.

۲- این اثر در ص ۱۰۵ تا ۲۲۵ از کتاب حاضر چاپ شده است.

۳- در صحت انتساب این اثر به سید، مؤلف کتاب حاضر تردید کرده (بنگرید به ص ۱۸۶) ولی باتوجه به این که شاگرد سید (محمد نور بخش) اثری بدین نام به او نسبت داده (بنگرید به کتاب وی به نام سلسلة الذهب الصوفیة ملقب به مشجر الاولیاء، ج ۲، ص ۱۰۰) این تردید بی مورد است. ضمناً مودة القربی یک بار هم در سال ۱۲۷۰ ه.ق. در لکهنو چاپ شده و یک بار نیز ترجمهٔ اردوی آن با ترجمهٔ «السبعین» در ضمن ترجمهٔ ینابیع المودة به قلم مولانا ملک محمد شریف انتشار یافته است.

۱۱- رونوشت های مکرری که از آثار گوناگون وی برداشته اند که هم اینک نسخه های خطی متعددی از آنها در نقاط مختلف جهان اسلام — خصوصاً ایران و شبه قاره — موجود است.

۱۲- ترجمه هائی که از پاره ای آثار او به زبان های مختلف (اردو، ترکی، فرانسه، پشتو و . . .) کرده اند و نیز شروحی که بر آنها نوشته اند.

۱۳- چاپ های مکرر پاره ای از آثار وی در ایران و پاکستان و ترکیه و هند و عراق و لبنان و . . .

۱٤- آثار متعددی که مستقلاً به زبان های گوناگون در ذکر مناقب و شرح احوال و آثار و عقاید وی پدید آورده اند از جمله:

خلاصة المناقب تألیف نور الدین جعفر بدخشی، رسالهٔ مستورات یا منقبة الجواهر از حیدر بدخشی، اثری از قاضی نور الله شوشتری، حیات همدانی از مولانا سید غلام حسن کاظمی مشهدی، امیر کبیر سید علی همدانی از سیده اشرف ظفر، تذکرهٔ شاه همدان، احوال و آثار میر سید علی همدانی از دکتر محمد ریاض و:

The Life and Works of Sayyid Ali Hamadani

(و این ها گذشته از مقالاتی است که در موضوع مزبور نگارش یافته و بغیر از فصول و ابواب کوتاه و بلندی است که در کتاب ها و آثار دیگر به این موضوع اختصاص داده شده است).

* * *

طرح نخستین کتاب حاضر همان اثر آقای دکتر ریاض است که برای اخذ دکترا از دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران تهیه کرده و رسالهٔ سید دربارهٔ «فتوت: جوانمردی» را نیز پس از تصحیح به آن ضمیمه نمودند — با پیشگفتار مبسوطی در پیرامون تعاریف مختلف از فتوت و شرایط و آداب و رسوم آن، و ارتباط آن

با ملکات فاضله (شجاعت ، سخاوت . . .) و نمونه های عالیهٔ فتوت در عمل کرد های انبیاء و ائمه و اولیاء و چگونگی ظهور و تکامل و انحطاط نهضت فتوت ــ تاریخچهٔ آن ــ و تأثیرش در ادب و اخلاق و جریانات اجتماعی و رابطهٔ آن با طریقت تصوف ، و آثار منظوم و منثور دربارهٔ آن.

مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان پس از تصمیم بر چاپ آنچه ایشان تألیف و تصحیح کرده بودند اقدامات ذیل را انجام داد تا مجموعه ای هر چه کامل تر و قابل استفاده تر عرضه گردد :

ــ تحریر مجدد غالب مطالب برای نزدیک تر شدن به فارسی امروز.

ــ تصحیح پاره ای از آثار سید و افزودن آن به پایان کتاب.

ــ نگارش مقدمه ای مفصل (مقدمهٔ حاضر) مشتمل بر چکیدهٔ مطالب برای کسانی که فرصت و حوصلهٔ مطالعهٔ تمام کتاب را ندارند.

* * *

امید است این مجموعه که همزمان با سالگرد وفات «شاه همدان و حواری کشمیر» انتشار می یابد ، ادای یک گوشه از حقی باشد که این مرد بزرگ بر ذمهٔ همهٔ امت اسلام و خصوصاً مسلمانان ایران و شبه قاره دارد و امید است سیره و آثار وی که اکنون بخشی از آن انتشار می یابد ، چراغی شود فراراه فرزندان روحانی و معنوی وی یعنی تمامت کسانی که : یبلغون رسالات الله ویخشونه ولا یخشون احدا الا الله . . .

مدیر مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان

پیشگفتار

میر سید علی همدانی را نخستین بار سی و یکسال پیش با مطالعهٔ اشعاری که علامه اقبال در ستایش وی سروده شناختم - اجمالاً - [1] و همان وقت ها سعی کردم در مورد وی اطلاعات بیشتری به دست آورم که متأسفانه جز مطالب مختصری در مجلهٔ «برهان» اردو و جلد دوم «خزینة الاصفیا» چیزی نیافتم و آرزوی آشنائی کامل با این مرد بزرگ همچنان در دل من بود تا در سال ۱۳۴۴ هـ. ش. برای تکمیل تحصیلات در رشتهٔ ادبیات فارسی عازم تهران شدم و در آنجا یک شماره مجلهٔ «یغما» مشتمل بر مقاله ای از استاد علی اصغر حکمت بدستم افتاد باعنوان «از همدان تا کشمیر» این مقاله که گزارش های فشرده اما متنوعی دربارهٔ میر سید علی همدانی در بردارد مرا بسیار خوشوقت کرد. استاد حکمت در پایان مقاله نوشته بودند: «این بود خلاصه ای از تحقیقاتی که در بهار گذشته راجع باین شخص مهم مذهبی و ادبی که در قرن هشتم هجری در ایران و افغانستان و هندوستان شهرتی بسیار داشته بدست آورده ام که هنوز ناقص است. البته ممکن است تحقیقات دیگری بر آن مزید گردد. مخصوصاً آثار و نوشتجات او

۱- این اشعار بیش از هفتاد بیت و در ضمن آن ها به خدمات سید در خطهٔ کشمیر اشاره شده است.

بدقت مورد مطالعه و تجزیهٔ علمی قرار گیرد و بطبع برسد و نتایج سودمند بسیار از آن حاصل شود»[1] این عبارت به اضافهٔ علاقه ای که شعر اقبال و کل مقالهٔ استاد حکمت در من نسبت به سید به وجود آورده بود موجب گردید که تحقیقات مفصلی را پیرامون احوال و آثار وی آغاز کنم و آن را موضوع پایان نامهٔ خود قرار دهم. پس از پایان این کار نیز «رسالهٔ فتوتیهٔ» سید را تصحیح کرده دربارهٔ نهضت فتوت اطلاعات فراوانی گرد آوردم که تمام آن ها را به اضافهٔ چندین رساله از سید در این جا ملاحظه می نمائید.

موضوع این رساله

حضرت امیر سید علی همدانی یکی از نوابغ و شخصیت های طراز اول ایرانی است که فعالیت های گوناگون دینی و ادبی و فرهنگی او در ایران و در شبه قارهٔ پاکستان و هند تأثیرات اساسی و ارزنده باقی گذاشته و خصوصاً در خطهٔ حسن خیز «کشمیر» رواج و گسترش دین مبین اسلام و زبان و ادبیات فارسی مرهون مساعی جمیلهٔ آن بزرگ همدانی میباشد. شرح زندگانی و اقدامات رفاهی و انسان دوستانه و جوانمردانهٔ او را (مخصوصاً آنچه در مراکز تبلیغات خود ـ همدان و ختلان و کشمیر ـ انجام داده است) در باب اول این رساله که در ده فصل و زیر عناوین متعدد است. با رعایت اختصار جمع آوری کرده‌ام. در باب دوم این رساله علی همدانی بعنوان یکی از نویسندگان بزرگ و سرایندگان متوسط عرفانی معرفی شده و کتب و رسائل فارسی و عربی و شعر او را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده ام. کتب و رسائل سید که بآنها دسترسی پیدا نشد نیز اجمالاً ذکر گردیده تا کیفیت همهٔ آثار او را در نظر گرفته باشیم. درین مورد کیفیت نسخ خطی و عکسی و چاپی و تراجم وغیره نیز بیان و مطرح شده است.

۱ـ مجلهٔ «یغما» سال چهارم (سال ـ ۱۳۳۰ هـ.ش.) شمارهٔ هشتم، ص ۳٤٤ـ

باب سوم این رساله ، چنانکه در فوق نیز اشاره شد ، به مسلک فتوت و تصحیح و تحشیهٔ رسالهٔ «فتوتیهٔ» میر سید علی اختصاص یافته است.

حرف آخر

اینجانب در تمام مراحل کار از کمک ها و محبت های بسیاری از سروران و دوستان و دانشمندان بزرگوار ایرانی و پاکستانی ـ خصوصاً برخی از استادان محترم دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران برخوردار بوده است که بدین وسیله از همگان سپاسگزاری و اجر تمامی ایشان را ـ اعم از آنها که در گذشته اند و بقیه ـ به خدای بزرگ واگذار می نماید.

در مورد کامل و صحیح بودن همهٔ مطالب پایان نامهٔ حاضر نیز هیچ ادعائی ندارم و قضاوت در مورد کار خود را به استادان ارجمند و خوانندگان فاضل محول مینمایم با اطمینان کامل به این که در حدود استعداد و وسائل خود از هیچ کوششی فروگذار نکرده ام و «لا یکلف الله نفسا الا وسعها».

در خاتمه بر طبق عبارت منقول از استاد حکمت باید عزم جزم خود را اعلام دارم که تا آخرین حد امکان خود در تنقیح و طبع و انتشار آثار ارزندهٔ امیر سید علی همدانی و شناساندن شخص آن نابغهٔ عظیم کوشا خواهم بود. وما توفیقی الا بالله العلی العظیم.

دربارهٔ مآخذ و علائم اختصاری آن ها

در شرح زندگانی امیر سید علی همدانی مآخذ نزدیک بعهد او زیاد در دست نداریم. بیشتر اطلاعاتی که داریم مأخوذ از آثار خود سید و «خلاصة المناقب» از نور الدین جعفر بدخشی (م۷۹۷هـ.) و «مستورات یا منقبة الجواهر» از حیدر بدخشی (قرن نهم هـ.) است. مابین مآخذ بعدی که مطالب تازه تری دارد «روضات الجنان و جنات الجنان» در دو مجلد تألیف حافظ حسین الکربلائی[1] و

۱ ـ وفات مؤلف در سال ۹۹۷هـ. اتفاق افتاده است.

«واقعات کشمیر یا تاریخ اعظمی»[1] از محمد اعظم دیده مری بن خیر الزمان مجددی کشمیری و «تحایف الابرار یا تاریخ کبیر» از حاج مسکین امرتسری و نیز کتاب مفصلی در دو مجلد بزبان انگلیسی بنام «کشیر» از مرحوم حاج دکتر صوفی قابل ذکر میباشد.

«خلاصة المناقب» و «مستورات» اهمیت اساسی دارند. مؤلف خلاصة ـ المناقب یکی از مریدان پرشور سید علی است که در چهارده سالهٔ آخر زندگانی سید با او در ارتباط کامل بوده. و بر اساس مشاهدات عینی خود و آنچه از خود سید و دیگران شنیده ، این کتاب را در سال ۷۸۷هـ. در ختلان تألیف نموده است. این اولین کتابی است که سالی بعد از وفات سید علی در شرح احوال و مناقب او نگارش یافته است. این کتاب اگرچه مثل «مناقب العارفین» احمد افلاکی مضامین صوفیانه و بحثهای عارفانه دارد ولی راجع بزندگانی و فعالیت های گوناگون سید هم مطالب فراوان دارد و یکی از مآخذ معتبر و اساسی است.[2] صاحب رسالهٔ «مستورات» بعضی مطالب را از «خلاصة المناقب» اقتباس کرده ولی مطالب تازه ای هم به روایت از اصحاب و مریدان سید علی ذکر کرده است. حیدر بدخشی یکی از اصحاب شیخ عبدالله برزش آبادی طوسی است[3] که

۱ـ اسم کتاب «تاریخ اعظمی یا تواریخ اعظمی» است و «واقعات کشمیر» نام تاریخی کتاب و سال تألیف آن به حساب ابجد است (۱۱۴۸هـ.) ولی اسم تاریخی آن بیشتر شهرت دارد.

۲ـ خانم دکتر سیده اشرف بخاری با تصحیح وتحشیهٔ این کتاب باخذ درجهٔ دکترا از دانشگاه پنجاب ، لاهور نائل آمده اند (۱۹۶۷م)

۳ـ در مقدمه رسالهٔ «کمالیه» ذکر این شیخ و مریدان او آمده است و یکی شان همین شیخ حیدر بدخشی .(تحقیق در نظم و نثر فرقهٔ ذهبیه با توجه باصول عقائد این سلسله پایان نامهٔ دکتری اسد الله خاوری ۱۳۳۶هـ. ش.) مشروح ترین گزارش از احوال شیخ برزش آبادی در «روضات الجنان و جنات الجنان» (جلد دوم) است. سال وفات او در این کتاب ۸۷۲هـ. ثبت شده و بر لوح مزار او ۸۶۹هـ. و قول اخیر ظاهراً اشتباه است با سال وفات سید محمد نور بخش.

از مریدان شیخ خواجه اسحق ختلانی (م۸۲۶ه.) و همدرس میر سید محمد نور بخش (م۸۶۹ه.) بوده و خواجهٔ مذکور مرید و خلیفهٔ میر سید علی همدانی است. بنا بر این مؤلف هم یکی از وابستگان سلسلهٔ سید علی و از نزدیکان بعهد اوست.

دو نسخهٔ عکسی از کتاب «خلاصة المناقب» در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران موجود است که اصل یکی در کتابخانهٔ دانشگاه پنجاب در پاکستان است و دیگری در بادلیان ـ انگلستان. این دو نسخه با یکدیگر اختلاف زیادی ندارند فقط نسخهٔ دوم خواناتر است. فیلم نسخهٔ سوم را اینجانب از کتابخانهٔ برلین (آلمان) بدست آورده و مورد استفاده قرار داده ام. این نسخهٔ اصلاً رو نویسی است از نسخهٔ خطی موجود در کتابخانهٔ استانبول. و چند مطلب اضافه بر نسخه های دیگر دارد.

نسخهٔ خطی «مستورات» در خانقاه احمدی تهران موجود است. نسخهٔ مزبور موریانه خورده[1] و ناقص است ولی موله مارین دانشمند فرانسوی این نسخه را با نسخهٔ ایندیا آفیس (که در اختیارش بوده) مقابله کرده و به این وسیله نسخهٔ خودش و نسخهٔ خانقاه احمدی را تکمیل کرده است.[2] عکس این نسخه نیز به درخواست کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران از روی نسخهٔ خطی موجود در کتابخانهٔ ایندیا آفیس (شمارهٔ ۱۸۵۰) تهیه شد و مورد استفادهٔ اینجانب قرار گرفت.[3]

۱- شمارهٔ ثبت ۹۱۶۰. ۲- شمارهٔ ثبت ۵۸۸۰.

۳- آقای دکتر شمس الدین احمد که در سال ۱۳۴۴ه. ش. رسالهٔ دکترای خود را باعنوان «دیوان و شرح احوال و سبک مشتاق کشمیری» براهنمائی استاد دکتر صادق گوهرین نوشته متذکر شده که «خلاصة المناقب» و «مستورات» هر دو در مطبع نولکشور هند بچاپ رسیده است ، ولی اینجانب باوجود مساعی زیاد اطلاعی در این مورد بدست نیاورد. در سال ۱۳۵۴ه.ش. هم آقای محمد رمضان ضیاء رانا ، دانشجوی پاکستانی از اهالی سرگودا با تصحیح رسالهٔ مستورات ، از دانشگاه تهران به اخذ درجهٔ دکترا نائل شده است.

ذکر مآخذ دیگر که چاپی است در صفحات ۲۲۶ تا ۳۳۵ آمده است.

چون نسخه های خطی مزبور و چند مأخذ دیگر درین رساله بارها مورد استفاده قرار می گیرد برای رعایت اختصار و جلوگیری از تکرار، علایم اختصاری زیر را برای آنها در نظر گرفته ایم:

علامت اختصاری	مشخصات کامل تر مأخذ
۱- خ - م، لا	نسخهٔ عکسی خلاصة المناقب (اصل در دانشگاه پنجاب لاهور - پاکستان)
۲- خ - م، با	نسخهٔ عکسی خلاصة المناقب (اصل در بادلیان، اکسفورد - انگلستان)
۳- خ - م، بر	نسخهٔ عکسی خلاصة المناقب (اصل در برلین)
٤- مستورات (خ)	نسخهٔ خطی مستورات (موجود در خانقاه احمدی تهران)
۵- مستورات (ع)	نسخهٔ عکسی «مستورات» در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران (اصل در کتابخانهٔ ایندیا آفیس)
٦- روضات	روضات الجنان و جنات الجنان جلد ۱ و ۲
۷- یغما (۱)	مقالهٔ آقای علی اصغر حکمت در ماهنامهٔ یغما شمارهٔ ٦ از سال ۱۳۳۰ ه. ش.
۸- یغما (۲)	ایضاً مقالهٔ ایشان در مجلهٔ مزبور شمارهٔ ۸ از سال ۱۳۳۰ ه. ش.

۹- کشمیر (۱ تا ۲) انگلیسی

۱۰- ریو (۱ یا ۲) فهرست ها

۱۱- تاشکند (۱ تا ۵ مع ضمیمه)	فهرست نسخ خطی فرهنگستان تاشکند به زبان روسی
۱۲- اته (۱ یا ۲)	فهرست های هرمان اته
۱۳- بادلیان (۱) فهرست	
۱۴- بانکی پور (باذکر شماره) فهرست‌ها	
۱۵- نزهة (۲)	نزهة الخواطر و بهجة المسامع و النواظر ج ۲
۱۶- بلوشه (با ذکر شماره) فهرست‌ها	
۱۷- ستوری (۱)	پرشین لتریچر
۱۸- ص ، ج	صفحه ، جلد یا مجلد
۱۹- رک	رجوع کنید به
۲۰- نگ	نگاه کنید

فهرست مطالب